

بِسْمِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



حقوق تجارت در پرتو  
نظام حقوقی کنونی

مؤلفان: امین حقیقت - علیرضا سوری

انتشارات چتر دانش

## مقدمه مؤلف

علمای بلند پایه حقوق ایران در سال ۱۳۱۱ ه.ش قانون تجارت ایران را با تأسی از قوانین تجارت فرانسه به رشته تحریر درآوردند. از آنجا که در آن زمان روابط تجاری اندک بوده و ساخت و بافت اجتماعی پیچیدگی فعلی را نداشت، این مقررات پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی زمان خود بود.

در ایران دانشجویان حقوق عمده مطالعات خود را به حقوق مدنی و مباحث فقهی این شاخه از حقوق معطوف می‌دارند، سایر شاخه‌های حقوق و از جمله حقوق تجارت همواره در آموزش و پژوهش‌های حقوقی مغفول گردیده است. از همین روی اولاً در بدو نگارش و تصویب قانون تجارت هیچ‌گاه ادبیات این قانون در فرهنگ حقوقی ایران جایگاه خود را پیدا نکرد و ثانیاً پس از گذشت مدت‌ها و متروک ماندن برخی از قواعد این قانون توجهی به بازنگری اساسی در مقررات تجاری نشد، ثالثاً بسیاری از حقوقدانان، وکلا و قضات برای تفسیر و اجرای مقررات تجاری از قواعد عمومی حقوق مدنی، بدون توجه به مقتضیات خاص تجارت، بهره گرفته و همین امر سبب تفسیرهایی نامنتطب با عرف تجاری شد.

در حقوق تجارت، اصول و قواعد ویژه‌ای وجود دارد که این شاخه از حقوق را از سایر شاخه‌های حقوق، از جمله حقوق مدنی، متمایز می‌سازد. اصل سرعت و امنیت و همچنین توجه به ظاهر اراده اشخاص در مبادلات تجاری سبب نیاز به پیش‌بینی قواعد عمومی مقررات تجاری را دو چندان می‌گرداند. این خلأ در کشورهای دیگر با به‌روزرسانی مقررات همگام با پیشرفت اقتصادی ملل و همچنین بهره‌گیری از رویه قضایی و عرف‌های تجاری داخلی و بین‌المللی مرتفع می‌گردد. متأسفانه نزدیک به یک سده از عمر قانون تجارت ایران گذشته و مقررات فعلی تاب و توان تنظیم روابط پیچیده فعلی تجاری کشور را ندارند. در همین راستا لایحه قانون تجارت در سال ۱۳۸۱ از جانب دولت تهیه و در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس گردید. در پیچ و تاب مذاکرات لایحه مذکور، تشتت آرا و نظریات برخی از حقوق‌دانان و فقها در راستای منطبق ساختن این مقررات با قواعد نظام سنتی حقوق ایران، امر تصویب این قانون را با چالشی اساسی مواجه می‌سازد.

کتاب حاضر که حاصل بیش از سه سال تلاش برای گردآوری آراء و نظریات استادان حقوق و جمع‌آوری مقررات اخیرالتصویب است، تلاشی است برای آنکه ضمن ارائه قوانین مرتبط با حقوق تجارت، دکترین و رویه قضایی را در ارتباط با موضوعات تجاری هماهنگ ساخته و با جمع مقررات تجاری موجود تفسیری صحیح از قواعد تجاری ارائه نماید. مهمترین ویژگی‌های کتاب حاضر عبارتست از:

۱- شرح تفسیری و توضیح مواد قانون تجارت، لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (در ارتباط با شرکت‌های سهامی عام و خاص) و همچنین سایر قوانین اخیرالتصویب نظیر قانون اصلاح قانون صدور چک.

در تفسیر و توضیح مقررات نام‌برده نگارنده سعی بر آن داشته تا از رویه قضایی، دکترین و آراء و نظریات مشورتی و وحدت رویه استفاده کرده و در کشاکش نظریات مشتمت، نظر اصلح را برگزیند.

۲- ارائه درس‌نامه مختصر، جهت جمع‌بندی مباحث حقوق تجارت مطابق سر فصل‌های دانشگاهی

۳- ایجاد ارتباط میان مقررات قانون تجارت و حل تعارض قوانین اخیرالتصویب و منابع سنتی

۴- استفاده از زبان ساده و جملات کوتاه جهت انتقال راحت‌تر مباحث به خواننده

بی‌شک این اثر نظیر تمامی آثار حقوقی نیازمند ارتقاء و اصلاحات آتی می‌باشد و از همین منظر نگارنده از کلیه استادان و صاحب‌نظران تقاضا دارد، هر گونه انتقاد یا پیشنهادی در راستای بهبود این اثر دارند از طریق ایمیل به اطلاع ما برسانند.

در آخر مراتب تشکر و قدردانی خود را از ریاست محترم مؤسسه چتردانش، جناب آقای دانشور و همچنین استاد گرانقدر جناب آقای بنی‌صدر که در مسیر تألیف و چاپ این کتاب ما را همراهی نمودند، ابراز می‌داریم.

**امین حقیقت - علیرضا سوری**

**تهران - بهار سال ۱۳۹۸**

## تشکر و قدردانی؛

« ... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا »

« ... و هر کس نفسی را زنده کند؛ گویا همهٔ مردم را زنده کرده است. » (مانده ۳۲)

بند بند این کتاب بهانه‌ایست برای تشکر و قدردانی

از فخر خاندان مادری

**جناب استاد پروفسور دکتر فریدون عزیز**

## علائم اختصاری

- ق.م.....قانون مدنی  
ل.ا.ق.ت.....لایحه اصلاحی قانون تجارت  
ق.ن.ا.م.م.....قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی  
ق.ت.....قانون تجارت  
ق.ب.ت.....قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران  
ق.ن.ا.ا.م.....قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت  
ق.ب.ا.ب.....قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران  
ق.ا.ت.ا.و.....قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی  
ق.ا.ا.م.....قانون اجرای احکام مدنی  
ق.آ.د.م.....قانون آئین دادرسی مدنی  
ق.ص.چ.....قانون صدور چک

- قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی ..... ۱۰
- آیین نامه مقررات راجع به پلمپ دفاتر تجاری ..... ۲۱
- نظام نامه جدید ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ..... ۲۲
- آیین نامه دفتر ثبت تجاری مصوب فروردین ۱۳۲۵ ..... ۲۳
- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ ..... ۲۸
- آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۷ درباره نحوه انتخاب بازرس شرکت های سهامی عام مصوب ۱۳۴۹ کمیسیون اقتصاد مجلسین ..... ۱۷۴
- قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲ ..... ۱۷۶
- دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار ..... ۱۷۸
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ ..... ۱۹۱
- آیین نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶ هیئت وزیران ..... ۲۰۸
- دستورالعمل ثبت و عرضه عمومی اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۵ شورای عالی بورس و اوراق بهادار ..... ۲۱۱
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶ ..... ۲۱۷
- آیین نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۷ ..... ۲۲۱
- هیئت وزیران ..... ۲۲۱
- قانون راجع به ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰ ..... ۲۶۹
- تصویب نامه راجع به مقررات ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۱ وزارت دادگستری ..... ۲۷۲
- آیین نامه راجع به مواد ۱۹۶ ، ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با

اصلاحات و الحاقات بعدی .....	۲۷۳
اصلاحیه طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۸۶ .....	۲۷۷
قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ .....	۲۸۰
آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸ .....	۲۸۱
قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات مصوب ۱۳۸۲ و قانون اصلاح صدور چک آبان مصوب ۱۳۹۷ .....	۳۳۸
قانون چک‌های تضمین‌شده مصوب ۱۳۳۷ .....	۳۴۸
قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ .....	۳۴۹
قانون راجع به دلالتان مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۱۷ .....	۳۷۴
آیین‌نامه دلالتی رسمی مصوب ۱۳۵۲ شورای عالی بیمه .....	۳۷۷
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ .....	۴۶۷
آیین‌نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ .....	۴۷۸
آیین‌نامه موادی از قانون تجارت در خصوص تصفیه امور ورشکستگان مصوب ۱۳۱۱ .....	۴۹۱
قانون تجارت الکترونیک .....	۵۰۲
چکیده حقوقی تجارت ۱: کلیات تجار و اعمال تجاری .....	۵۲۱
چکیده حقوق تجارت ۲: حقوق شرکت‌های تجاری و شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری .....	۵۳۲
چکیده حقوق تجارت ۳: حقوق اسناد تجاری .....	۵۵۸
چکیده حقوق تجارت ۴: حقوق ورشکستگی .....	۵۸۳
نمایه موضوعی .....	۵۹۵
فهرست منابع و مآخذ .....	۶۰۲

## قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی

### باب اول: تجار و معاملات تجاری

#### تعریف تاجر

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

۱- نظامی که موضوعاتی را به عنوان موضوعات یا امور تجاری صرف نظر از اینکه چه شخصی آنها را انجام دهد؛ تعیین می کند،

۵- به همین دلیل اشخاص ذیل تاجر نیستند؛

الف- قائم مقام تجاری «م ۳۹۵ ق.ت»؛

ب- خدمه تجارت خانه «بند ۳ م ۳ ق.ت»؛

ج- شرکاء و سهامداران در شرکت های

تجاری. «م ۵۴.ا.ق.ت»؛

د- مدیران شرکت های تجاری.

۶- نمایندگان مورد نظر در حقوق تجارت

عبارتند از:

الف: دلال؛

ب: حق العمل کار؛

ج: عامل؛

د: قائم مقام تجاری.

از بین این ۴ نوع نماینده، فقط قائم مقام تجاری

تاجر محسوب نمی شود.

۷- مدیران شرکت های تجاری گرچه به

نماینده گی عمل می کنند؛ اما نماینده تجاری

محسوب نمی شوند و تاجر نیز نیستند.

۸- ممنوعیت ها در اشتغال به تجارت عبارتند

از:

الف: ممنوعیت های کلی:

- قضات و سردفتران به طور کلی از اشتغال به

تجارت ممنوع هستند.

- اشخاص حقوقی که اگرچه به تجارت

پرو نظریه، موضوعی یا مادی هستند؛ بنابراین ماده ۲ قانون تجارت پرو نظریه موضوعی است. در مقابل، نظاماتی که شخص تاجر را محور قرار داده و معتقدند حقوق تجارت به اعمال و اقدامات حرفه ای تجاری می پردازد پرو نظریه شخصی یا شکلی هستند.

۲- نظام حقوقی ایران در معرفی قلمرو حقوق تجارت مبتنی بر نظریه مختلط است، با این تفصیل که ماده ۲ قانون تجارت مبتنی بر نظریه، موضوعی یا مادی و ماده ۳ قانون تجارت مبتنی بر نظریه شخصی است.

۳- در خصوص شغل باید به سه مؤلفه ذیل توجه نمود:

الف: شغل باید به منظور کسب درآمد باشد.

ب: شغل معمولی ملاک باشد؛ نه لزوماً شغل اصلی شخص، به همین خاطر اگر کارمند دولت خارج از وقت اداری به تجارت پردازد تاجر محسوب می شود.

ج: معیار تشخیص معمولی بودن شغل، اتفاقی نبودن آن است.

۴- هنگامی یک شخص، تاجر محسوب می شود که معاملات تجاری را برای خود



آن، ایشان را تاجر می‌نماید.

۱۱- تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری که مطابق م ۵۸۴ قانون تجارت مطلقاً از پرداختن به تجارت ممنوع هستند؛ چنانچه مبادرت به امر تجارت نمایند مطابق ماده ۲۲۰ ق.ت شرکت تضامنی محسوب شده و تاجر هستند.

۱۲- در خصوص اشتغال مجبورین به امر تجارت باید توجه داشت که:

اولاً: مجبورین به‌طور کلی از اشتغال به تجارت ممنوع هستند و حتی با نقض این ممنوعیت نیز تاجر محسوب نمی‌گردند.

ثانیاً: اگرچه ماده ۸۵ قانون امور حسبی به مجبورین اجازه داده است که با اذن ولی یا قیم خود بتوانند اشتغال داشته باشند؛ اما این اشتغال شامل تجارت نیست.

ثالثاً: تاجر تلقی کردن مجبور با رعایت غبطه وی در تعارض است.

می‌پردازند؛ اما ساختار آنها مطابق با هیچ‌یک از شرکت‌های تجاری نیست و به‌طور کلی تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری موضوع ماده ۵۸۴ ق.ت که از اشتغال به تجارت مطلقاً ممنوع است.

ب: ممنوعیت‌های جزئی:

۱- اشخاص غیرایرانی از اشتغال به دلالتی و کارگزاری بورس ممنوع هستند.

۲- کارمندان گمرک مجاز به حق‌العمل‌کاری در امور گمرک نیستند.

۳- اتباع خارجه اصولاً حق اشتغال به تجارت در ایران را دارا هستند؛ مگر در زمینه‌هایی که ممنوعیت خاصی داشته باشند.

۴- اشخاص ممنوع چنانچه به امر تجارت مبادرت نمایند، مرتکب تخلف شده و ضمانت اجرای آن را تحمل می‌کنند؛ ولی عمل ایشان در هر حال تجاری محسوب می‌شود و تکرار

## اعمال تجاری ذاتی

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

(۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد؛

(۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد؛

(۳) هر قسم عملیات دلالتی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

(۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد؛

(۵) تصدی به عملیات حراجی؛

(۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی؛

(۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی؛

- ۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد؛  
 ۹) عملیات بیمه بحری و غیربحری؛  
 ۱۰) کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی‌رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها.

آنها باشد) نظیر سهام، سهم‌الشرکه، اوراق قرضه یا اوراق مشارکت، حق اختراع، علامت تجاری و به‌طور کلی تمام اموال منقول حکمی یا غیرملموس از آنجا که از ارکان اصلی ثروت در جامعه هستند، تجارتی محسوب می‌گردند. ۸- داشتن قصد فروش یا اجاره در لحظه خرید یا تحصیل باید ملاک تجاری بودن قرار گیرد؛ بنابراین چنانچه شخصی با قصد فروش یا اجاره مال منقولی را ایتباع یا تحصیل نماید، عمل تجاری انجام داده است هر چند بعداً از فروش یا اجاره آن مال صرف‌نظر نماید. و بالعکس چنانچه شخصی بدون قصد فروش یا اجاره مالی را خریداری یا تحصیل نماید؛ اما بعداً به هر دلیلی آن را بفروشد، معامله تجاری انجام نداده است.

۹- خرید یا تحصیل مال غیرمنقول حکمی به قصد فروش یا اجاره نیز تجارتی ذاتی محسوب می‌گردد.

چنانچه تصرف موجب تغییر ماهیت عرفی در کالا باشد عمل خرید یا قصد فروش یا اجاره تجاری محسوب نمی‌گردد و مشمول عنوان پیشه‌وری خواهد بود. برای مثال کفاشی که چرم، پلاستیک و دیگر اموال منقولی را از بازار عمده‌فروشان تهیه می‌کند، هر چند در لحظه خرید قصد فروش آن اموال را داراست و فی‌الواقع در عملیات توزیع اموال منقول دست دارد؛ اما از آنجا که نان از عمل خویش می‌خورد تاجر محسوب نمی‌گردد.

۱- اعمال تجارتی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف: اعمال تجارتی ذاتی؛

ب: اعمال تجارتی تبعی؛

ج: اعمال تجارتی حکمی؛

۲- انواع اعمال تجارتی ذاتی را نیز می‌توان به ۵ دسته تولیدی، توزیعی، خدماتی، مبادلات دریایی و معاملات برواتی تقسیم نمود.

۳- همچنین به اعتباری دیگر اعمال تجارتی ذاتی به دو دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

الف: مستمر یا بنگاهی یا مؤسسه‌ای یا تصدی‌گری

ب: غیرمستمر یا غیربنگاهی یا غیرمؤسسه‌ای یا منفرد

۴- برخی از حقوقدانان اعمال تجارتی ذاتی را به اعمال تجارتی مطلق و حکمی تقسیم کرده‌اند. با این تفصیل که معاملات برواتی و معاملات شرکت‌های سهامی را از جمله اعمال تجاری ذاتی حکمی تلقی می‌نمایند.

۵- منظور از تحصیل اعم است از خرید، حیاتت مباحات و قبول عقود غیرمعوض.

۶- در خصوص اموال منقول مصرح در بند اول این ماده باید توجه داشت که اموال منقول دو دسته می‌باشند؛ دسته اول اموال منقول ذاتی و دسته دوم اموال منقول حکمی که عبارتند از مطالبات، دعاوی و حقوق ناشی از اموال منقول.

۷- خرید اموال منقول غیرملموس و اموال منقول حکمی (چنانچه با قصد فروش یا اجاره

قانع کردن طرفین به انعقاد عقد.

۱۵- حق العمل کار کسی است که به نام خود و به حساب دیگری «آمر» معاملاتی کرده و در مقابل حق العمل دریافت می کند. به حق العمل کاری کمیسیون و نمایندگی ناقص هم گفته می شود.

۱۶- در حق العمل کاری حقوق ناشی از عقد متعلق به آمر است ولی حق العمل کار باید شخصاً تعهدات ناشی از عقد را در برابر طرف معامله انجام دهد. بنابراین حق العمل کار در مقابل آمر نماینده و در مقابل طرف معامله اصیل محسوب می شود.

۱۷- عامل در قانون تجارت ایران تعریف نشده است.

برخی از ویژگی های عامل عبارتند از:

الف- به نام و حساب خودش معامله می نماید.

ب- کالای تولیدکنندگان انحصاری را خریداری نموده و طبق قیمت و شرایطی که دارندند حق انحصار معین می کند به اشخاص متقاضی می فروشد.

۱۸- اگرچه معاملات راجع به املاک مطابق ماده ۴ ق.ت به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی گردد؛ اما تصدی به تسهیل معاملات ملکی تجاری محسوب می شود.

۱۹- تأسیس و به کار انداختن کارخانه مستلزم وجود بنگاه یا مؤسسه می باشد.

۲۰- تأسیس و به کار انداختن کارخانه در صورتی که برای رفع حوائج شخصی نباشد، تجاری محسوب می گردد.

۲۱- منظور از حوائج شخصی در بند ۴، حوائج تجاری و صنعتی شخص است. به طور مثال چنانچه شخصی که به امر انبوه سازی ساختمان مشغول است، بتون تولیدی خود را

به عبارت دیگر چنانچه عمده درآمد شخصی که مبادرت به خرید مال منقول نموده است ناشی از تصرفات وی در کالا باشد، عمل وی تجاری محسوب نمی گردد و مشارالیه پیشه ور است.

۱۰- واژه تصدی ناظر به امور بنگاهی است؛ بنابراین تصدی به حمل و نقل، تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات، تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه که برای رفع حوائج شخصی نباشد و تصدی به عملیات حراجی نیازمند وجود بنگاه یا دفتری برای اداره کردن تجارت موضوع تصدی و تکرار عمل جهت تحقق تصدی است.

۱۱- واژه تصدی دربرگیرنده دو مفهوم است: الف: بنگاه یا دفتری برای اداره کردن تجارت ب: ضرورت تکرار عمل برای تحقق تصدی ۱۲- تصدی به حمل و نقل در بند ۲ ق.ت شامل حمل و نقل اشیاء و اشخاص است. البته باید توجه داشت که هر چند تصدی به حمل و نقل اشخاص نیز تجاری محسوب می شود؛ اما روابط حقوقی متصدیان حمل و نقل اشخاص با مشتریانشان بر اساس قانون مدنی و مبتنی بر عقد اجاره اشخاص است.

۱۳- تعریف متصدی حمل و نقل فقط شامل اشخاصی می شود که در مقابل اجرت مبادرت به حمل اشیاء می نمایند.

۱۴- دلال شخصی است که یکی از دو کار زیر یا هر دو مورد را انجام می دهد:

الف- پیدا کردن مشتری برای فروشنده و معرفی آنها به یکدیگر؛

ب- واسطه گری در انجام معامله و تلاش برای

مرکزی مجوز دریافت نماید.

۳۰- معاملات برواتی اعم از صدور، قبولی شخص ثالث، ظهرونیسی و ضمانت است که همه این موارد تجارتی تلقی می‌گردند.

۳۱- معاملات برواتی حکماً تجارتی هستند. «اعمال تجاری حکمی»

۳۲- باید توجه داشت که مطابق بند ۸ ماده ۲ ق.ت صرفاً معاملات مذکور در خصوص برات تجاری تلقی می‌گردد؛ اما معاملات مرتبط با سفته و چک به هیچ وجه شمول معاملات برواتی نبوده و فی‌نفسه تجارتی تلقی نمی‌گردد.

۳۳- صدور بارنامه یا قبوض رسمی انبار یا سایر اوراق بهادار مانند سهام و اوراق قرضه نیز تجارتی تلقی نمی‌گردد.

۳۴- اعمال تجارتی حکمی در حقوق تجارت عبارتند از:

الف: معاملات برواتی (به حکم بند ۸ م ۲ ق.ت)

ب: معاملات شرکت‌های سهامی (به حکم ماده ۲ ل.ا.ق.ت)

۳۵- پرداختن به عملیات بیمه مستلزم أخذ مجوز از بیمه مرکزی و رعایت الزامات قانونی مربوطه است.

۳۶- بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌نماید در ازای پرداخت وجه یا وجوه معینی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران کرده یا وجه معینی را بپردازد.

۳۷- کشتی‌سازی ولو برای رفع حواجیح شخصی و صنعتی تاجر باشد، تجارتی محسوب می‌گردد. همچنین صرف اجاره کشتی تجارتی است.

برای ساختمان‌هایش به کار برد عمل وی در راستای تولید بتون، تجارتی محسوب نمی‌شود.

۲۲- حراجی یک فعالیت بنگاهی است.

۲۳- منظور از نمایشگاه محیطی است که در آن کالا یا فعالیت به نمایش گذاشته می‌شود و مردم برای دیدن آن هزینه پرداخت می‌کنند. مانند سینما، تئاتر، موزه و اسنادیوم‌های ورزشی.

۲۴- تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی یک فعالیت بنگاهی محسوب می‌گردد.

۲۵- تصدی به نمایشگاه‌های عمومی منوط به کسب مجوز است.

۲۶- عملیات بانکی عمدتاً از قرار ذیل می‌باشد:

الف- سپرده‌پذیری؛

ب- اعطای تسهیلات مالی و وام؛

ج- تنزیل اسناد تجاری وعده‌دار؛

د- اجاره‌دادن صندوق امانات؛

ه- ضمانت‌نامه گشایش اعتبار اسنادی «L.C.»؛

۲۷- بانک‌ها دارای الزامات قانونی ذیل هستند:

الف: به صورت شرکت سهامی عام باشند؛

ب: سهام آنها با نام باشد؛

ج: اساسنامه آنها باید به تأیید بانک مرکزی باشد؛

د: اساسنامه آنها به تأیید شورای پول و اعتبار برسد؛

ه: مدیران آن مورد تأیید بانک مرکزی باشد؛

و: فعالیت آنها تحت نظارت بانک مرکزی باشد.

۲۸- با وجود ملی شدن بانک‌ها، کماکان عملیات آنها معاملات تجاری محسوب می‌گردد.

۲۹- صندوق‌های قرض‌الحسنه را نمی‌توان بانک (و در نتیجه تاجر) دانست؛ اما این نهاد باید برای انجام فعالیت‌های خود از بانک

- عمل تجاری محسوب می‌گردد.
- ۴۲- معاملات تجاری بنگاهی یا تصدی‌گری عبارتند از:
- الف- تصدی به حمل و نقل (بند م ۲ ق.ت)؛
- ب- تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره (بند م ۳ ق.ت)؛
- ج- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد. (بند م ۴ ق.ت)؛
- د- تصدی به عملیات حراجی (بند م ۵ ق.ت)؛
- ه- تصدی به نمایشگاه عمومی (بند م ۶ ق.ت).

- ۳۸- صرف خرید یا اجاره کشتی با هر قصدی که باشد، عمل تجاری محسوب می‌شود.
- ۳۹- اگرچه کشتی‌رانی به معنای حمل کالا یا مسافر است و برای تاجر تلقی شدن مطابق ضوابط بند ۲ ماده ۲ ق.ت نیازمند تصدی است؛ اما به‌طور استثنا کشتی‌رانی بدون تصدی‌گری نیز به حکم بند ۱۰ م ۲ ق.ت عملی ذاتاً تجاری است.
- ۴۰- چنانچه دولت جهت رسانیدن ملزومات جنگی یک ناوگان حمل و نقل دریایی پیش‌بینی نماید، از آن جایی که این عمل مربوط به امور حاکمیتی است به هیچ عنوان تجاری تلقی نمی‌گردد.
- ۴۱- هرگاه دولت به‌منظور رسانیدن ملزومات به جبهه جنگی از کشتی‌های تجاری استفاده کند، قرارداد حمل و نقل برای متصدی آن،

## اعمال تجارتی تبعی

ماده ۳- معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌شود:

- ۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها.
- ۲) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیرتاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید.
- ۳) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید.
- ۴) کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی.

- ۳- در مورد تعهدات فرعی که به سبب یک قرارداد و یا رابطه اصلی ایجاد می‌گردند (نظیر سفته، چک، وثیقه و ضمانت)، چنانچه تعهدات اصلی واجد وصف تجارتی باشند، این تعهدات فرعی نیز تجارتی تلقی می‌شوند.
- ۴- ماده ۳ قانون تجارت که اعمال تجارتی

- ۱- اعمال تجاری تبعی ذاتاً غیرتجاری است؛ ولی به دلیل آن که به‌وسیله تاجر انجام می‌گیرد، تجاری تلقی می‌شود.
- ۲- تمام اعمال شرکت‌های تجاری جنبه تجارتی دارد به جز اعمالی که ذاتاً غیرتجارتی است و به‌هیچ‌وجه تجاری تلقی نمی‌گردد.

و تأسیس شود. این شرکت به حکم ماده ۲ ل.ا.ق.ت همواره تاجر محسوب می‌گردد؛ ولو اینکه موضوع فعالیت آن اعمال تجاری نباشد. بنابراین شرکت سهامی از جمله شرکت‌های تجاری شکلی یا شکلاً تجاری تلقی می‌گردد.

۹- سایر شرکت‌ها به جز شرکت تعاونی که عبارتند از:

- شرکت با مسئولیت محدود؛
- شرکت تضامنی؛
- شرکت نسبی؛
- شرکت مختلط سهامی؛
- شرکت مختلط غیر سهامی.

فقط در امور تجاری قابل تأسیس هستند و از جمله شرکت‌های تجاری موضوعی یا موضوعاً تجاری محسوب می‌گردند؛ بنابراین شرکت‌های مذکور به اعتبار قالب و پوشش حقوقی همواره تجاری هستند.

۱۰- شرکت تعاونی، هم در امور و موضوعات تجاری و هم در امور و موضوعات غیر تجاری قابل ثبت و تأسیس است. باید توجه داشت که شرکت تعاونی صرفاً در صورتی که موضوع فعالیت آن تجاری باشد، تاجر محسوب می‌شود.

تاجر را به‌واسطه آنکه توسط تاجر انجام می‌گردد تجاری دانسته است، نشان از پیروی از سیستم شخصی در شناسایی تاجر دارد.

۵- شرایط ذیل برای اینکه معامله‌ای تبعاً تجاری تلقی شود، لازم است:

- جزء اعمال تجاری ذاتی نباشد؛
- موضوع معامله مال غیرمنقول نباشد؛
- عمل تجاری تبعی نباید از جمله ایقاعات یا اعمال مادی محض (که در آن انشاء وجود ندارد) باشد.

۶- در صورتی که دو طرف معامله‌ای تاجر باشند، اصولاً معامله تجاری تبعی تلقی می‌گردد.

۷- در صورتی که یکی از طرفین تاجر نباشد، فقط وقتی معامله تجاری تبعی است که ثابت شود معاملات مربوطه به امور تجاری و برای رفع حوایج تجاری تاجر است.

۸- شرکت‌های تجاری از منظر تجاری بودن موضوع یا قالب به دو دسته تقسیم می‌گردند:

- شرکت‌های موضوعاً تجاری (یا شرکت‌های تجاری موضوعی)
- شرکت‌های شکلاً تجاری (یا شرکت‌های تجاری شکلی) شرکت سهامی می‌تواند در موضوعات و امور تجاری و غیرتجاری ثبت

## غیر تجاری بودن معاملات غیرمنقول

ماده ۴- معاملات غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجاری محسوب نمی‌شود.

۲- استثنائاً به‌موجب ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها؛ اشخاص حقوقی که به‌منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد شده‌اند تاجر محسوب می‌گردند.

- حکم این ماده صرفاً شامل اشخاصی حقوقی

۱- اگرچه معاملات غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجاری محسوب نمی‌شود؛ اما دلالی و حق‌العمل‌کاری معاملات غیرمنقول اگر در قالب بنگاه یا مؤسسه باشد و همچنین بیمه اموال غیرمنقول تجاری تلقی می‌گردد.